



شاخصه‌های مکتب

امام شهید قدس

دکتر محمد فنائی اشکوری

پیش از این در گفتاری پیرامون «مکتب امام شهید» نکاتی را عرض کرده بودم؛ به‌مناسبت اربعین امام شهید‏، قصد دارم این موضوع را کمی بیشتر تبیین کنم؛ البته این توضیح همچنان در سطح ابتدایی، اجمالی و صرفاً برای «طرح بحث» و «طرح مسئله» است تا پژوهشگرانی که مایل به پیگیری این مسیر هستند، با سرفصل‌های اصلی آن آشنا شوند. بنده به‌دلیل عدم دسترسی به منابع، کتابخانه و فضای پژوهش مجازی، مجال بررسی تفصیلی این مسئله را نداشته‌ام؛ لذا آنچه در ادامه می‌آید، یافته‌های اجمالی ذهن بنده به‌عنوان مقدمه‌ای برای مطالعات عمیق‌تر است.

• تبیین مفهوم مکتب

برای ورود به بحث «مکتب امام شهید»، ابتدا باید تصویری روشن از واژه «مکتب» داشته باشیم. مکتب در کاربرد امروزی، معادل اصطلاح غربی *School of Thought* (مکتب فکری) است. این اصطلاح در فرهنگ سنتی ما به این معنا رایج نبود؛ اما امروزه به‌عنوان مجموعه‌ای منسجم از اندیشه‌ها شامل «اصول»، «روش‌ها» و «مسائلی» که یک جریان فکری اثرگذار را شکل می‌دهند، به‌کار می‌رود.

به‌طور کلی، مکتب را می‌توان در دو سطح معنایی بررسی کرد:

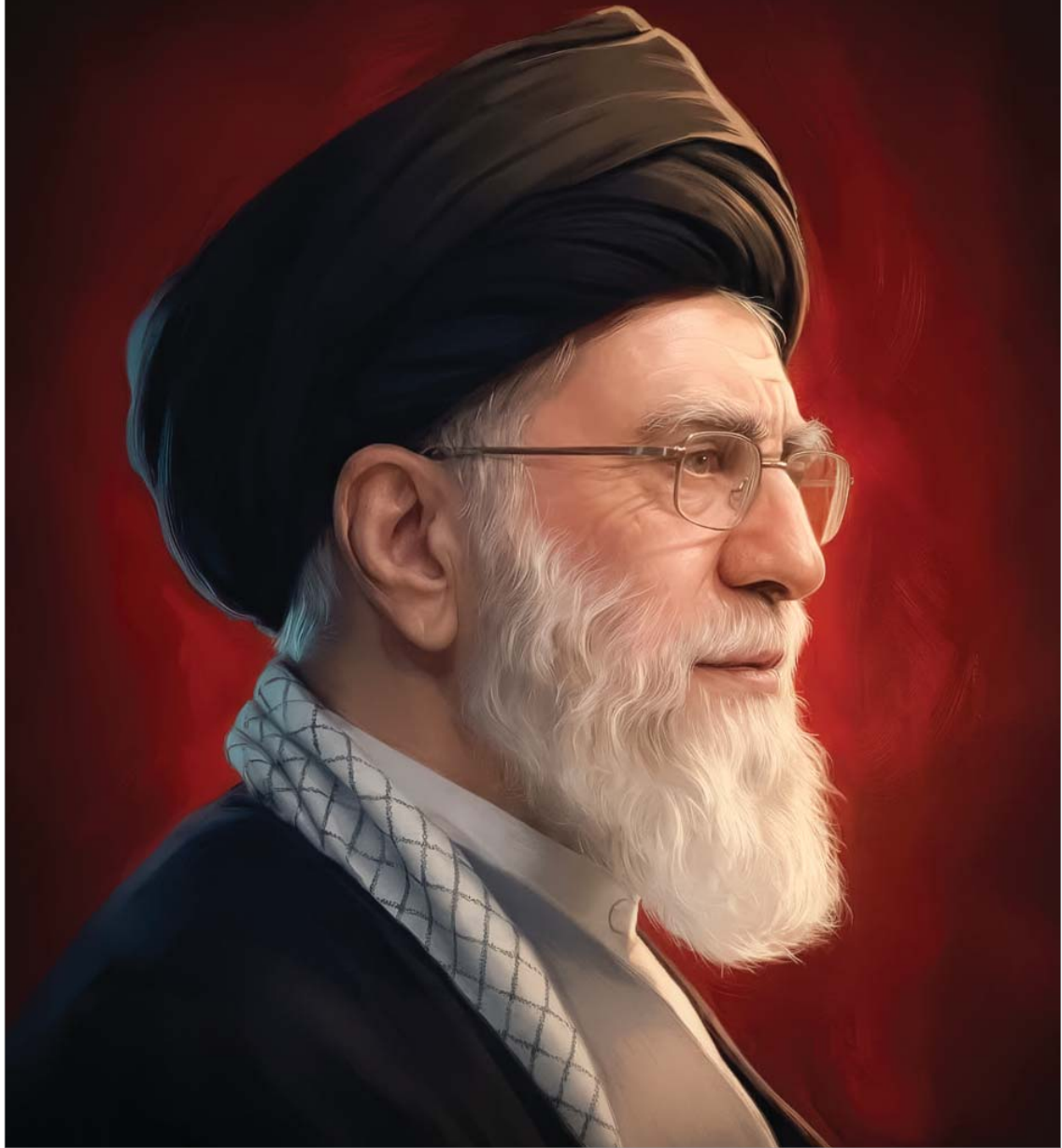
۱. معنای محدود (تخصصی): مکتب در یک رشته علمی یا حوزه معرفتی خاص. مانند مکتب‌های «گشتالت» یا «فشارگرایی» در روان‌شناسی، «لیبرالیسم» در علوم سیاسی و یا مکتب‌های «مشاء»، «اشراق» و «فرانکفورت» در حوزه فلسفه. در اینجا مکتب تنها به یک شاخه از دانش محدود می‌شود.

۲. معنای گسترده (تمدن‌ساز): مکتب به مثابه یک نظام فکری جامع که فراتر از یک رشته علمی است. این نظام شامل «جهان‌بینی»، «نظام ارزشی» و «الگوی زندگی» بوده و قدرت تمدن‌سازی دارد. چنین مکتبی باید واجد جامعیت، فراگیری و انسجام درونی باشد و برای زیست اجتماعی، راهکارهای عملی ارائه دهد. (مانند مارکسیسم که از یک هسته فلسفی به یک نظام سیاسی و اقتصادی منتهی شد).

گاهی این معنا توسعه یافته و به «ادیان» نیز اطلاق می‌شود؛ از آن جهت که دین نیز یک نظام جامع فکری، اعتقادی و عملی را برای زندگی طراحی می‌کند، مانند تعبیر «مکتب اسلام».

• جایگاه مکتب امام شهید

با این مقدمه، می‌توان گفت «امام شهید» صاحب یک مکتب و منظومه فکری جامع، مستدل، منسجم و تمدن‌ساز است؛ البته روشن است که آنچه ایشان مطرح می‌کند، اجتهاد و برداشتی عمیق از بطن دین مبین اسلام است، نه یک مکتب مستقل بشری در عرض اسلام؛ بنابراین، مکتب ایشان ذیل مکتب اسلام تعریف می‌شود؛ اما به این اعتبار آن را «مکتب» می‌نامیم که یک «بازآفرینی»، «بازسازی» و «اجتهاد جدید» بر پایه آموزه‌های اصیل است که با نگاه به تجربیات تاریخی و نیازهای انسان معاصر، برای حل مسائل امروز طراحی شده است. این مکتب، نشان‌دهنده پویایی و جاودانگی اسلام در مواجهه با زمان است.



«طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» در سال ۱۳۵۳ مطرح شد، پیونددهنده عقاید اسلامی با مسائل عینی جامعه نظیر عدالت، پیشرفت و تمدن‌سازی بوده است؛ از این‌رو، ما امروز در این عصر، مکتبی را که راهنمای زندگی مؤمنانه و تمدن‌ساز باشد، در «مکتب امام شهید» می‌یابیم و معتقدیم، حضور و هدایت‌گری ایشان پس از شهادت نیز از طریق شرح و بسط و ترویج این مکتب تداوم خواهد داشت.

• ضرورت دقت در واژگان و پرهیز از تکثیر مکاتب

نکته‌ای که باید با احتیاط به آن نگریست، نحوه به‌کارگیری واژه «مکتب» برای دیگر بزرگان و شهدای عزیز است. ما در دوران خود قهرمانان و متفکران بزرگی داشته‌ایم که صاحب اندیشه‌های نو و راهبردی بوده‌اند؛ اما نباید واژه «مکتب» را تکثیر کرد. مکتب شاخص این عصر، مکتب امام شهید است و دیگر عزیزان و شهدای بزرگوار، درواقع چهره‌های پیشرو و تقویت‌کننده‌ای هستند که ذیل این مکتب تعریف می‌شوند. آن‌ها این چارچوب کلان را توسعه داده یا در صحنه عمل اجرا کرده‌اند. شناخت و معرفی این چارچوب فکری واحد، بسیار ره‌گشایتر خواهد بود.

• سخن پایانی

تأکید می‌کنم که حرکت در این چارچوب به‌معنای توقف در اندیشه‌های گذشته نیست. این یک «طرح کلان» است که ما باید آن را تکمیل کنیم، توسعه دهیم و حتی با نقد عالمانه به پیش ببریم؛ چراکه راه پیشرفت و بالندگی، در همین تضارب آرا و حرکت رو به جلوست که خود آن بزرگوار به ما آموخت. ان‌شاءالله که رهروان شایسته‌ای برای راه آن امام شهید باشیم.

یک مکتب فکری در گروی آن است که راه برای نقد و بررسی عالمانه گشوده باشد؛ این خود بخشی از فرایند تکامل مکتب است.

• ویژگی‌های سه‌گانه مکتب امام شهید

این منظومه فکری بر چهار پایه استوار است:

۱. فقا‌هت و معرفت عمیق دین: فهم عمیق امام شهید از ابعاد گوناگون دین ریشه در دانش وسیع ایشان از معارف اسلامی، سنت و پژوهش در متون دینی دارد.

۲. نوآوری و خلاقیت: ایشان دارای ذهنی خلاق، مبدع و نوآور بودند و از نظریه‌پردازان بر جسته در اندیشه اسلامی به‌شمار می‌روند.

۳. حضور در میدان عمل: این ویژگی منحصربه‌فرد ایشان است. امام شهید تنها محقق‌ی در کتابخانه یا معلمی در مدرسه نبود؛ او «مرد میدان» بود. اندیشه او در متن مبارزات سیاسی، مسئولیت‌های اجرایی، مدیریت جنگ و رهبری امت در سطوح ملی و بین‌المللی صیقل خورده است. هیچ مجتهد و متفکر اسلامی دیگری را نمی‌شناسیم که با این قاطعیت، اندیشه دینی را در چنین ساحت گسترده‌ای از عمل پیاده و اجتهاد کرده باشد.

۴. عصری بودن: اما شهید با اندیشه‌ها، مسائل و چالش‌های زمان به‌خوبی آشنا و مصداق برجسته «عالم‌به‌زمان» بودند. دین‌شناسی او انتزاعی و ذهنی محض نبود؛ بلکه ناظر به نیاز عصر و کاملاً مرتبط با اندیشه و حیات انسان امروز بود.

• رویکرد تمدن‌ساز

اندیشه ایشان از همان دوران جوانی (مانند آنچه در کتاب

دلالت‌های اقتدار راهبردی

در نخستین پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین پورامینی، مدیر گروه حقوق بین‌الملل دانشنامه قرآن‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



اقتدار ملی؛ استمرار دفاع مؤثر و بازدارنده در برابر تجاوز؛ بهره‌گیری از اهرم‌های راهبردی برای اعمال فشار بر دشمن؛ از جمله تنگه هرمز؛ تثبیت و تحکیم جایگاه جبهه مقاومت؛ مطالبه حقوقی و اقتصادی برای دریافت غرامت از متجاوزان و خطاب صریح به کشورهای منطقه در زمینه ضرورت تعیین موضع در برابر متجاوزان. این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که پیام نه صرفاً واکنشی سیاسی، بلکه تبیینی از منطق قدرت و دفاع فعال در چارچوب امنیت ملی ایران است.

در بعد داخلی، محور اصلی پیام، بر نقش مردم استوار است. رهبری جدید، ملت ایران را ضامن اقتدار کشور و عامل استمرار ثبات دانسته و حضور و بصیرت آنان را



پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای پس از انتخاب به رهبری، بیانیه‌ای جامع و راهبردی است که خطوط اصلی سیاست داخلی، امنیتی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را با صراحت و اقتدار تبیین می‌کند.

این پیام در شرایطی صادر شد که کشور در حال مواجهه مستقیم با جبهه متجاوزان آمریکایی و صهیونیستی بود و افکار عمومی منتظر شناخت رویکرد رهبری جدید بود؛ از این‌رو، واکنش‌ها به پیام گسترده و تحلیل‌ها درباره آن، آن را نشانه‌ای از تداوم ثبات، قدرت و اراده راهبردی جمهوری اسلامی دانستند.

در محتوای این پیام، چند محور کلیدی برجسته است: نقش مردم به‌عنوان ستون